

تبیین حکم فقهی استماع غناء از منظر فقه امامیه

نویسنده: علی احمد متقی (نوری)^۱

استاد راهنما: حجه الاسلام امیر امینی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

«غناء» از مفاهیم مبهمی است که تعریف مشخصی برای آن نشده است، لذا حکم آن همواره از امور مورد اختلاف در فقه امامیه و بقیه گروه‌های فقهی بوده است. یکی از جنبه‌های مهم مورد بحث آن، حکم استماع آن است که نسبت به بقیه جنبه‌های آن (اجرای آن) در عصر حاضر، امری است شایع.

بنابراین، مقاله‌ی حاضر به این پرسش پرداخته است که از نظر فقه امامیه حکم استماع غناء چیست؟ که به نظر، دیدگاه فقه امامیه راجع به استماع غناء تفصیل است و در غنای لهوری مضلّ حکم به حرمت می‌کند، اما در بقیه موارد حکم به حلیّت.

مقاله‌ی حاضر کوشیده است تا با ارائه‌ی تقسیماتی راجع به غناء در سایه‌ی فقه غنی امامیه، شناخت عمیق‌تر و شفاف‌تری راجع به حکم استماع غناء در فقه امامیه بوجود آورد. و نیل به این هدف، به شیوه‌ی توصیفی دنبال شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که استماع غنای لهوری مضلّ، حرام و استماع غنای لهوری غیر مضلّ و غیر لهوری حلال است.

واژگان کلیدی: حکم، استماع، سماع، غناء، مضلّ، فقه و امامیه

۱. طلبه سطح سوم حوزه در مدرسه عالی مرکز فقهی انمه اطهار (علیهم السلام) - کابل (حوزه علمیه کابل) و دانشجوی کارشناسی فقه

اسلامی، گروه فقه اسلامی، دانشکده فقه اسلامی، دانشگاه مجازی المصطفی،

a163n266@gmail.com

۲. مدیر گروه فقه و معارف اسلامی دانشگاه مجازی المصطفی (ص)

مقدمه

غناء که معنای عام آن عبارت است از صوت نیکو و زیبا؛ راجع به آن و استماع و گوش دادن به آن، سخنان زیادی از جانب گروه‌های فقهی اسلامی گفته شده است و در فقه امامیه نیز از همان دیرباز در بین فقهاء مورد توجه بوده است و با آن هم استماع غناء از اموری شایع در بین جوامع امروزی است که در نتیجه‌ی تکرار، وجهه‌ی عمومی و صورت عادت اجتماعی را به خود گرفته است، به قسمی که بین اقسام آن فرق گذاشته نمی‌شود. و اکثریت می‌پندارند که شرع حکم به حرمت استماع غناء نکرده است.

لذا لازم است که راجع به حکم آن در سایه‌ی منابع فقهی، تحقیق و پژوهش صورت گیرد، تا دانسته شود که حکم استماع غناء در فقه امامیه چیست؟ و آیا نیاز به تفکیک بین اقسام آن است یا خیر؟

در مورد غناء در همه‌ی کتاب‌های فقهی علماء، مبحثی موجود است و اولین رساله‌ی مستقل در باب غناء توسط محقق سبزواری نوشته شد و بعد از ایشان کتاب‌های متعددی راجع به غناء به رشته‌ی تحریر در آمده است، و مسأله‌ی استماع غناء در ضمن آن‌ها بررسی شده است، ولی بررسی مستقلی راجع به آن کمتر شده است، که برای استفاده‌ی عموم نبوده است لذا پژوهش حاضر برای استفاده‌ی عموم مردم به گونه‌ی مختصر صورت گرفته است تا در بیدار نمودن جامعه اسلامی نسبت به این مهم، نقشی ایفا شود.

در پژوهش حاضر که به روش توصیفی صورت گرفته است، در صدد هستیم تا اثبات کنیم که استماع غنای لهوی مضل حرام و اجتناب از آن واجب است و استماع اقسام دیگر غناء حرام نیست.

و این را با رجوع به منابع روایی و تفسیری نظیر وسائل الشیعه‌ی مرحوم حر عاملی و تفسیر نمونه‌ی آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امثال آن بررسی خواهیم نمود.

مبانی نظری پژوهش

حکم: حکم در لغت به معنای قضاوت کردن، بازداشتن، فرمان دادن، دانش و حکمت است (کتاب العین، ج ۳، ص ۶۶) (معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص ۹۱).

و در اصطلاح فقهی، حکم عبارت است از قانونی که برای تنظیم زندگی انسان‌ها وضع کرده است (دروس فی علم الاصول، ج ۱، ص ۶۳).

استماع: استماع عبارت است از شنیدن از روی اختیار و اراده (لغات در تفسیر نمونه، ص ۴۳).

سماع: سماع عبارت است از شنیدن غیر اختیاری.

فرق استماع و سماع این است که استماع همراه با قصد و اختیار و اراده محقق می‌گردد، اما در سماع قصد و اختیار نیست و به مجرد آمدن اراده و قصد در شنیدن، از سماع بودن خارج می‌گردد و تبدیل به استماع می‌گردد.

غناء: لغویان در معنای غناء اختلاف فراوانی دارند، عده‌ای آن را به معنای صدا دانسته اند (معجم مقانیس اللغة، ج ۴، ص ۳۹۷) و برخی گفته اند که غناء به معنای بلند کردن و در پی هم آمدن صدا است (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

و معانی دیگری هم بیان شده است. و همه‌ی معانی، نشان‌دهنده‌ی این است که غناء از مقوله‌ی آواز است.

کلمات فقهاء هم در تعریف غناء متفاوت است؛ یک دیدگاه این است که غناء عبارت است از صوت زیبا و نیکو و دیدگاه دیگری که مشهور است این است که غناء یعنی: «مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب» (مکاسب، ج ۱، ص ۲۹۵) و همچنین دیدگاه‌های فراوانی دیگری ممکن است که با وجود این اختلافات، برای غناء دو معنی قایل شویم: «معنای عام» و «معنای خاص» که معنای خاص همان صداها‌ی تحریک‌کننده‌ی شهوات و متناسب با مجالس فسق و فجور است و معنای عام هرگونه صوت زیبا است (موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۸۸).

اما آن معنایی که پژوهش حاضر، مبتنی بر آن است همان تعریف عام و معنای عام غناء (یعنی مطلق صوت زیبا و حسن) است.

و غناء به معنای عام به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. غنای لهوری مضلّ؛ ۲. غنای لهوری غیر مضلّ؛ ۳. غنای غیر لهوری

مضلّ: مضل اسم فاعل از باب افعال است به معنای گمراه کننده، بیراه کننده.

فقه: فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن است (معجم مقائیس اللغة، ج ۴، ص ۲۸۹). و در اصطلاح فقیهان، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان (تاریخ فقه و فقهاء، ص ۷).

امامیه: کلمه‌ی «امامیه» برگرفته است از «امام» که در لغت به معنای پیشوا و کسی است که از گفتار او پیروی می‌شود (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۵) و یاء نسبت در آخر آن اضافه شده است؛ به معنای منسوب به امام. و چون وصف برای «فرقه» است مؤنث به کار می‌رود؛ یعنی فرقه‌ی امامیه به معنای گروهی منتسب به امام. و در اصطلاح، امامیه عبارت است از کسانی که اعتقاد به امامت دوازده امام (علیهم السلام) دارد.

ملازمه‌ی عقلی بین حرمت غناء و حرمت استماع آن

قدر متیقن از تعاریف غناء این است که غناء از مقوله‌ی صوت است، و وقتی از مقوله‌ی صوت بود در این صورت حرمت غناء بدون حرمت استماع از نظر عقل معنا ندارد. لذا از نگاه عقل ملازمه است بین حرمت غناء و حرمت استماع آن.

تبیین حکم فقهی استماع غنای لهوری مضلّ از منظر فقه امامیه

غناء در مجموع سه قسم است که یکی از اقسام آن، غنای لهوری مضلّ می‌باشد؛ حالا سوال این است که به نظر فقه امامیه، حکم استماع غنای لهوری مضلّ و گمراه کننده که همراه با مفسده و عنوان حرام دیگری باشد، چیست؟

قدر متیقن از موارد حرمت غناء، حرمت استماع و شنیدن غنای لهوی مضلّ است و اختلافی در حرمت آن نیست.

ادله‌ی حرمت استماع غنای لهوی مضلّ:

۱) آیات: در قرآن کریم آیه‌ی که به صراحت حرمت غناء و حرمت استماع غنای لهوی مضلّ را بیان کند، وجود ندارد؛ اما با تفسیر برخی از کلمات در قرآن به غناء در کلام ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و کلام مفسران، حرمت غناء ثابت می‌گردد که قدر متیقن از آن حرمت غنای لهوی مضلّ است. و در گام بعدی، حرمت شنیدن غنای لهوی مضلّ از طریق ملازمه‌ی عقلی ثابت می‌گردد؛ زیرا مفسده‌ی غناء چیزی جز تأثیر منفی که بر شنوندگان می‌گذارد، نیست. که آیاتی که دلالت بر حرمت استماع غنای لهوی مضلّ دارند، عبارتند از: آیه‌ی ششم سوره‌ی لقمان: «و من الناس من یشتري لهو الحديث لیضلّ عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین» بنابر تفسیر «لهو الحديث» به غناء و شمول آن نسبت به غناء در کلام ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۰ و ۳۱) (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۵ و ۲۶) و گستردگی معنای «لهو الحديث» و شمول آن نسبت به غناء در کلام علمای تفسیر (ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۱-۲۲، ص ۲۰۰) و تعبیر به «لهو الحديث» به جای «حدیث الله» در آیه (از آن‌جا که در آیه تعبیر به لهو الحديث بکار رفته است نه حدیث الله، فهمیده می‌شود که آنچه ملاک است لهو و بیهودگی است و سخن و حدیث، ملاکیت ندارد و صرف وسیله‌ی رسیدن به لهو و بیهودگی مذموم در آیه است.) (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۶)، و به کمک جمله‌ی «لیضلّ عن سبیل الله» (این جمله در مقام تعلیل بوده و دلالت بر این دارد که حرمت منحصر در صورتی است که همراه با غناء و لهو الحديث، مفسده‌ی اضلال باشد.)، به ضمیمه‌ی ملازمه‌ی عقلیه (بین حرمت غناء و حرمت استماع آن)؛ و آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی حج: «و اجتنبوا قول الزور» که بنابر عمومیت مفهوم «قول زور» و مصداقیت غناء برای آن طبق کلام

مفسران (ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۷-۱۸، ص ۲۶۸) و تفسیر آن به غناء در کلام ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) در این آیه‌ی مبارکه (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۰۶) (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۳) و از آنجا که «قول زور» نمی‌تواند شامل همه‌ی اقسام غناء شود و قرینه‌ی هم که بتواند شمول آن به همه‌ی افراد غناء را ثابت نماید در مفاد آیه وجود ندارد (قول زور شامل همه‌ی اقسام غناء شده نمی‌تواند زیرا که: اولاً در صورتی می‌توان به آیه‌ی مذکور بر حرمت همه‌ی اقسام غناء استدلال نمود که غناء در ذات خود مصداق زور و دور کننده‌ی از حق باشد، در حالی که عقلاً برخی از اقسام غناء یقیناً باطل و زور نیست و باطل شمردن تعبّدی همه‌ی اقسام غناء هم ثابت نشده است. و ثانیاً از آن جا که ادله‌ی شرعیه ملقّای به عرف است و مفهوم غناء هم کاملاً واضح و آشکار نیست، لذا غناء در کلام ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) حمل بر معنای متعارف در زمان ائمه (ع) می‌گردد که غنای متعارف در آن زمان، غنای لهوی مضلّ بوده است.) پس فقط شمول آن نسبت به قسم لهوی مضلّ آن متیقّن است و بنابر ملازمه‌ی عقلیه بین حرمت غنای لهوی مضلّ و حرمت استماع آن دلالت بر حرمت استماع غنای لهوی مضلّ دارد. و هم‌چنین آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی فرقان: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» با در نظر داشت آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی حج و نکات بیان‌شده در ضمن آن برای اثبات حرمت استماع غنای لهو مضلّ.

۲) روایات: روایاتی که از آن‌ها حرمت استماع غنای لهوی مضلّ استفاده می‌گردد عبارت اند از: روایت حسنه‌ی ابن مسلم: «قال: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: الغناء ممّا وعد الله عليه النار و تلا هذا الآية {و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزوا أولئك لهم عذاب مهين}» (حدود الشریعه، ج ۱، ص ۵۱۰) بنابر قرینه بودن آیه‌ی شریفه برای غنای لهوی مضلّ و حمل غناء در کلام امام باقر (علیه السلام) بر غنای متعارف در آن زمان و مطلق بودن غناء که شامل شنیدن و استماع آن هم می‌گردد. و روایت علی بن جعفر از برادرش حضرت امام موسی کاظم (ع): «قال سألته عن الرجل يتعمّد الغناء يجلس اليه؟

تبیین حکم فقهی استماع غناء از منظر فقه امامیه / ۱۷

قال: لا» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۲) که ظهور در حرمت استماع غناء دارد و حمل بر استماع غنای لہوی مضلّ می‌گردد. و روایت طاطری از امام صادق (علیه السلام) که امام علیہ السلام فرمودند: «استماعهنّ (ای الجواری المغنیات) نفاق» (حدود الشریعه، ج ۱، ص ۳۷۲) (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۴) که عرفاً از آن حرمت استماع غناء فهمیده می‌شود و حمل بر حرمت استماع غنای لہوی مضلّ می‌گردد. و روایت امیر المؤمنین علی (علیہم السلام) از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیہ و آلہ و سلم) که فرمودند: «صوتان ملعونان یبغضهما الله: احوال عند مصیبة و صوت عند نعمة، یعنی النوح و الغناء» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹۳) که بنابر حمل غناء بر غنای لہوی مضلّ به قرینہی بقیہی ادله و تلازم بین حرمت غناء و حرمت استماع آن، دلالت بر حرمت استماع غنای لہوی مضلّ دارد.

۳) کلام مراجع: از کلام اکثریت مراجع هم حرمت استماع و شنیدن غنای لہوی مضل استفاده می‌گردد؛ از جمله آیات عظام سیستانی، مکارم، فیاض و مقام معظم رهبری. آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام عزہ) می‌فرمایند: «کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لہو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.» (رسالہی توضیح المسائل آیت الله مکارم، ص ۴۹۲)

آیت الله العظمی فیاض (دام عزہ) می‌فرمایند: «غناء حرام است و آن عبارت است از صدایی که به کیفیت و لہجه مخصوص مجالس لہو ادا شود، ...» (رسالہی توضیح المسائل آیت الله العظمی فیاض، ص ۳۱۳-۳۱۴) که از آنجا که مراد ما غنا به معنای عام (مطلق صوت خوش) است و ایشان غناء را بر معنای خاص تفسیر کرده است لذا مستفاد از کلام ایشان هم حرمت استماع در صورت لہوی مضلّ بودن است بنابر تفسیر ما از غناء.

مقام معظم رهبری (دام عزہ) می‌فرمایند: «غناء که عبارت است از آوازخوانی، در صورتی که لہوی مضل باشد حرام و در غیر این صورت، حلال است.» (رسالہی منتخب الاحکام، ص ۳۳۹)

بعد می‌فرمایند که «استماع غنای محرم جایز نیست، هرچند مستمع در خود مجلس حضور نداشته باشد.» (رساله‌ی منتخب الاحکام، ص ۳۴۱)

خلاصه اینکه مستفاد از کلام اکثر مراجع این است که شنیدن غنای لهوری مضلّ حرام است. (۴) **اجماع:** برخی از علماء نظیر شیخ اعظم انصاری^(۵) ادعای اجماع بر حرمت غناء نموده اند (مکاسب، ج ۱، ص ۲۸۵). و از آن‌جا که اجماع دلیل لّبی (دلیلی که از نوع الفاظ نیست). است و دلیل لّبی حمل بر قدر متیقن می‌گردد (مصباح الاصول، ج ۳، ص ۳۶۴) و قدر متیقن غناء، غنای لهوری مضلّ است؛ پس مستفاد از اجماع حرمت استماع غنای لهوری مضلّ است نه بیش از آن. نتیجه اینکه استماع غنای لهوری مضلّ حرام است.

تبیین حکم فقهی استماع غنای لهوری غیر مضلّ از منظر فقه امامیه

نوع دیگر غناء، غنائی است که با اینکه داخل در مصادیق لهور است اما اضلال و گمراه کردن و مفسده‌ی دیگری را در پی ندارد، حالا این پرسش مطرح است که در فقه امامیه گوش دادن و شنیدن چنین غنایی چه حکمی دارد؟

با وجود اختلاف فراوان در مورد حکم استماع غناء که عده‌ای قایل به حرمت مطلق و عده‌ای قایل به تفصیل شده اند، ولی مستفاد از ادله این است که استماع غنای لهوری غیر مضلّ حرام نیست.

ادله‌ی دال بر عدم حرمت استماع غنای لهوری غیر مضلّ:

(۱) **آیات:** مستفاد از آیاتی که بنابر تفسیر ائمه‌ی معصومین^(علیهم‌السلام) و مفسران بزرگ جهان اسلام راجع به غناء وارد شده بود و متضمن بیان حکم غناء بودند، فقط حرمت غنای لهوری بود که مضلّ و گمراه‌کننده بود و بالملازمه‌ی عقلیه دلالت بر حرمت استماع غنای لهوری مضلّ می‌نمودند، اما حرمت غنای لهوری غیر مضلّ را نمی‌توانستند ثابت کنند؛ زیرا آیه‌ی مبارکه‌ی

ششم سوره‌ی لقمان (و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزواً لهم عذاب مهين) با قرینه‌ی جمله‌ی (ليضلّ عن سبيل الله) فقط حرمت غنای لهوی مضل را ثابت می‌نماید. و ادعای اینکه به مجرد دخول غناء تحت عنوان لهو، برای اثبات حرمت آن و حرمت استماع آن کافی است اگر چه مضلّ نباشد؛ چون لهو و استماع آن حرام است، درست نیست چونکه مستفاد از ادله‌ی که در مورد لهو وارد شده است از جمله همین آیه‌ی مبارکه‌ی ۶ سوره‌ی لقمان این است که لهو و استماع آن به طور مطلق حرام نیست، بلکه حرمت آن و حرمت استماع آن منوط به تحقق قید اضلال است. پس حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ اثبات نمی‌گردد. و در مورد آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی حج (و اجتنبوا قول الزور) هم که بیان شد که قول زور شامل همه‌ی اقسام غناء نمی‌گردد و به طور قطع فقط شامل غنای لهوی مضلّ می‌گردد؛ که مؤید ما این است که در کلام امام صادق (علیه السلام) قول زور تفسیر به غناء شده است (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۳) و از آن جا که غناء حمل بر معنای متعارف و معهود در آن زمان می‌گردد و غنای متعارف در آن زمان غنای لهوی مضلّ بود. لذا حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ از آن استفاده نمی‌گردد. و همچنین در مورد آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی فرقان (و الذين لا يشهدون الزور) که حمل بر غنای لهوی مضلّ می‌گردد و حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ را نمی‌تواند اثبات کند.

و از آن جا که آیات قرآن نمی‌تواند حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ را اثبات کند، بنابر اصل اولی حلیت حکم به حلیت آن می‌گردد. والله اعلم.

(۲) روایات: مستفاد از روایات دال بر حرمت استماع غناء بنابر قرینه بودن عبارات روایات و یا حمل لفظ غناء در آن‌ها بر غنای لهوی مضلّ، حرمت استماع غنای لهوی مضلّ است و شامل استماع غنای لهوی غیر مضلّ نمی‌گردد؛ و همچنین از روایات دیگری هم عدم حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ استفاده می‌گردد؛ نظیر روایت ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) «أجر

المغنیة التي ترف العرائس ليس به بأس و ليست بالتی یدخل علیها الرجال» (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۱) که مستفاد از این روایت این است که غنای زن آواز خوان در مجلس عروسی حرام نیست و الا اگر حرام می‌بود که اجرت گرفتن در مقابل عمل حرام، حرام است ولی این جواز مقید و مشروط به عدم دخول مردان در جمع زنان شده است که مستفاد از این قید این است که حرمت فقط در صورت وجود مفسده است و الا حرمتی نیست. و بالملازمه استماع غنای لهوری غیر مضل و بدون مفسده اشکالی ندارد.

در نتیجه مستفاد از ادله این است که استماع غنای لهوری غیر مضلّ حرام نیست، اگر چه می‌توان کراهت آن را اثبات کرد.

تبیین حکم فقهی استماع غنای غیر لهوری از منظر فقه امامیه

قسم سوم از اقسام غناء، غنای غیر لهوری است که عبارت است از غنایی که نه لهور است و نه مضلّ. به نظر فقه امامیه حکم استماع این قسم از غناء چیست؟

قدر متیقن از موارد حلیت استماع غناء، استماع غنای غیر لهوری است و در حلال بودن آن بحثی نیست و حتی عده‌ای که به طور مطلق قایل به حرمت شنیدن غناء می‌شوند، غناء را طوری تعریف می‌کنند که شامل این مورد (صدای خوش و صدای زیبا) نمی‌گردد، و این قسم را تخصصاً از حکم غناء خارج می‌دانند. اما از آن جا که بحث ما در مورد حکم استماع غناء به معنای عام است لذا این قسم هم داخل در اقسام غناء خواهد بود و استماع آن حلال است.

ادله‌ی دال بر حرّیت استماع غنای غیر لهوی:

(۱) آیات: مستفاد از آیات که دلالت بر حرمت استماع غناء می‌کند این است که این حرمت اختصاص به استماع غنای لهوی مضلّ دارد و آن را می‌توان از قیدی که در آیه‌ی شش سوره‌ی لقمان آمده است (لهو الحديث) فهمید. لذا از قرآن حرمت استماع غنایی که حتی داخل در مصادیق لهو نیست، استفاده نمی‌گردد.

(۲) روایات: مستفاد از برخی روایت این است که غنای غیر لهوی حرام نیست، و وقتی خود غنای غیر لهوی حرام نبود استماع آن هم حرام نخواهد بود. به طور نمونه: روایت «عنه (عن رسول الله): أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنِ الْغِنَاءِ وَ عَنِ شَرَاءِ الْمَغْنِيَاتِ وَ قَالَ إِنَّ أَجْوَرَهُنَّ مِنَ السَّحْتِ وَ لَمْ يُجَوِّزْ الْغِنَاءَ إِلَّا فِي النِّيَاحَةِ إِذَا لَمْ تَقُلْ بِاطِلَا وَ فِي حَدَاءِ الزَّمَلِ وَ فِي الْأَعْرَاسِ إِذَا لَمْ يَسْمَعْهَا الرِّجَالُ الْأَجَانِبُ وَ لَمْ تَغْنَّ بِبَاطِلٍ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۵) که در آن غناء در عزاداری که از اقسام غنای غیر لهوی است جایز دانسته شده تا زمانی که همراه با باطل و مفسده‌ی دیگری نباشد، و بالملازمه بر جواز استماع غنای غیر لهوی دلالت دارد. و همچنین روایت‌های که دلالت دارند بر اینکه قرآن را باید با صوت حسن خواند مثل این روایت که رسول اکرم (ص) فرمودند: «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حَسَنًا» (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۲) و صوت حسن هم غنای لغوی است و قرائت قرآن با صوت حسن هم از اقسام غنای غیر لهوی می‌گردد که حرام نیست و استماع آن مشکلی نخواهد داشت.

(۳) اقوال علماء: مستفاد از کلام علماء این است که استماع غنای غیر لهوی حرام نیست، زیرا حد اقل اکثر آن‌ها در مورد حرمت قید لهوی بودن و متناسب با مجالس لهو و لعب را می‌آورند (توضیح المسائل آیت الله مکارم، ص ۴۹۲) (استفتانات آیت الله سیستانی، ص ۳۱۳-۳۱۴) (رساله توضیح المسائل آیت... العظمی فیاض، ص ۳۱۳-۳۱۴) (رساله‌ی منتخب الاحکام، ص ۳۳۹) و کسانی که این

قید را برای حرمت نمی‌آورند هم مراد شان از غناء، غناء به معنای عام (صدای نیکو و زیبا) نیست، بلکه مراد شان غنای لهوی مضلّ و یا هم مراد عده‌ای غنای لهوی غیر مضلّ است. نتیجه اینکه استماع غنای غیر لهوی جایز است.

تبیین حکم فقهی سماع غناء از منظر فقه امامیه

سماع بر خلاف استماع که گوش فرادادن برای شنیدن است، عبارت است از شنیدن با گوش بدون قصد گوش دادن و به گونه‌ی غیر اختیاری، مثلاً شنیدن غناء در هنگام عبور از بازار و شنیدن غناء در جلسه‌ی که او به قصد شنیدن غناء به آن جا نرفته است و در آن جا هم قصد گوش دادن و شنیدن ندارد. حالا سؤال مطرح است که حکم سماع غناء از دیدگاه فقه امامیه چیست؟ با توجه به عدم حرمت استماع غنای لهوی غیر مضلّ و غنای غیر لهوی مضلّ، سماع و شنیدن غیر اختیاری آن به طریق اولی حرام نیست. اما راجع به سماع غنای لهوی مضلّ باید گفت که با وجود حرمت استماع غنای لهوی مضلّ، سماع غنای لهوی مضلّ حرام نیست.

ادله‌ی عدم حرمت سماع غناء:

- ۱) یکی از شرایط عامه‌ی تکلیف اختیار است، لذا در صورت عدم اختیار و اراده تکلیفی نیست و در مورد سماع غنای لهوی مضلّ از آنجا که سماع یک عمل غیر اختیاری است و در صورت تعلق قصد تبدیل به استماع می‌گردد، لذا تعلق تکلیف حرمت امکان پذیر نیست.
- ۲) ظهور روایات وارده در حرمت غناء در حرمت استماع غناء (حدود الشریعه، ج ۱، ص ۳۷۲).

تبیین حکم فقهی استماع غناء از منظر فقه امامیه / ۲۳

۳) اقوال علماء: بررسی کلمات علماء راجع به حکم شنیدن موسیقی بدون اختیار، نشان‌گر این است که علماء سماع غناء و موسیقی را حرام نمی‌دانند (انسان، غنا، موسیقی، ص ۱۳۱ و ۱۳۸-۱۳۷ و ۱۰۱ و ۱۵۳ و ۱۴۵-۱۴۶).

نتیجه اینکه شنیدن غیر اختیاری غناء اشکالی ندارد.

تبیین حکم فقهی استماع غنای به کار رفته در تلاوت قرآن کریم

از مصادیق غناء جایی است که تغنی به قرآن شود و قرآن کریم با غناء و صدای حسن و نیکو تلاوت گردد، حالا این پرسش مطرح است که از دیدگاه فقه امامیه حکم استماع این غناء چیست؟

راجع به استماع غنای به کار رفته در قرآن کریم هم باید قایل به تفصیل شد؛ زیرا که در قرآن کریم دو قسم غناء متصور است: غنای مناسب با مجالس لهو و لعب و فساد و غنای غیر لهوی (مجرد صورت حسن).

اگر غنای بکار رفته در تلاوت قرآن کریم، غنای متناسب با مجالس لهو و لعب و فساد بود، استماع آن حرام است به دلیل ادله‌ی بیان شده در حرمت استماع غنای لهوی مضل.

اما اگر غنای به کار رفته در تلاوت قرآن کریم، غنای غیر لهوی و مجرد صوت زیبا و حسن بود، استماع آن حرام نخواهد بود زیرا که دلیل بر حرمت آن نداریم و اصل اولی در هرچیز حرمت است علاوه بر اینکه از ادله‌ی که تأکید بر این دارند که قرآن را با صوت حسن و نیکو بخوانید دلالت بر حلیت استماع آن دارد و معنای غنای غیر لهوی همین صوت حسن و نیکوی مستفاد از روایات است. مثل آیه‌ی شریفه‌ی «و رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً» (مزل/۴) و روایت ابی بصیر از امام باقر (علیه السلام) که فرمودند: «و رَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتُكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ

یرجع به ترجیعاً». (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۱)

نتیجه اینکه استماع و گوش‌دادن به صدای زیبای تلاوت قرآن تا زمانی که متناسب با مجالس لهو و لعب و فساد نباشد اشکالی ندارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی پژوهش حاضر این شد که:

۱. استماع غنای لهوی مضلّ حرام است.
۲. استماع غنای لهوی غیر مضلّ حرام نیست.
۳. استماع غنای غیر لهوی حرام نیست.
۴. سماع غناء اشکالی ندارد.
۵. استماع غنای به کار رفته در تلاوت قرآن کریم در صورتی که از قسم غنای متناسب با مجالس لهو و لعب و فساد نباشد حرام است، اما اگر غیر از آن باشد جایز است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش). النهایة فی غریب الحدیث و الاثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۵۸ ش). معجم مقانیس اللغة. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ ش). لسان العرب. بیروت: دار بیروت.
۵. امامی، محمد جعفر (۱۳۸۷ ش). لغات در تفسیر نمونه. قم: امام علی بن ابی طالب (ع).
۶. انصاری، مرتضی (۱۴۴۱ ق). مکاسب. بیست و هشتم. قم: مجمع فکر اسلامی.
۷. بیستونی، محمد (۱۳۸۵ ش). موسیقی از دیدگاه قرآن و حدیث. قم: بیان جوان.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰ ش). وسائل الشیعة. سوم. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۹. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷ ش). رساله‌ی منتخب الأحکام. سوم. کابل: صبح امید.
۱۰. (۱۳۸۸ ش). اجوبة الإستفتاءات. احمد رضا حسینی. پنجاه و یکم. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۱. سیفی، علی اصغر. مقاله بررسی مفهوم و حکم غنا از منظر فقه اسلامی. سایت دارالثقلین.
۱۲. شرفخانی خویی، احمد. انسان، غنا و موسیقی. قم: انتشارات مشهور.
۱۳. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۷ ش). دروس فی علم الأصول. قم: دارالصدر.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۳ ش). ترجمه تفسیر المیزان. سید محمد باقر موسوی همدانی. نوزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۳ ش). ترجمه تفسیر مجمع البیان. علی کرمی. اول. تهران: انتشارات فراهانی.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷ ش). کتاب العین. اول. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. فیاض، محمد اسحاق (۱۳۸۰ ش). رساله‌ی توضیح المسائل. قم: مجلسی.
۱۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۷ ش). تاریخ فقه و فقهاء. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت).

۲۶ / دوفصلنامه پژوهش‌های فقهی - حقوقی، سال ۱، شماره ۱، (پاییز، زمستان ۱۴۰۰)

۱۹. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۷ ش). حدود الشریعة. اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴ ش). تفسیر نمونه. بیست و سوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. (۱۳۸۸ ش). رسالهی توضیح المسائل. تهران: پیام عدالت.
۲۲. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل. اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۲۳. واعظ حسینی، سید محمد (۱۴۱۷ ق). مصباح الأصول. پنجم. قم: مکتبه الداوری.